

قاتل یک و نیم دقیقه پس از قصاص زنده ماند

در حالی که قاتل یک و نیم دقیقه پس از قصاص زنده ماند، پلیس استان خراسان رضوی تکمیل شد. آن روز به پلیس خبر رسید در جریان درگیری بین نماینده یکی از شرکت‌های بیمه با مردی که قصد بیمه کردن خودرواش را داشت، مرد میانسال با ضربه چاقو به قتل رسیده و نماینده بیمه نیز فرار کرده است. در این شرایط بود که پیکر مقتول به پزشکی قانونی منتقل و تلاش‌ها برای دستگیری قاتل فراری آغاز شد.

اولین برگ از این پرونده پر از فراز و فرود اردیبهشت ماه سال ۹۶ توسط پلیس استان خراسان رضوی تکمیل شد. آن روز به پلیس خبر رسید در جریان درگیری بین نماینده یکی از شرکت‌های بیمه با مردی که قصد بیمه کردن خودرواش را داشت، مرد میانسال با ضربه چاقو به قتل رسیده و نماینده بیمه نیز فرار کرده است. در این شرایط بود که پیکر مقتول به پزشکی قانونی منتقل و تلاش‌ها برای دستگیری قاتل فراری آغاز شد.

۲ سال زندگی مخفیانه

عامل این جنایت به مکان نامعلومی گریخته بود و هیچ کس از او اطلاعی نداشت. با این وجود کارآگاهان پلیس سایه‌به‌سایه در تعقیب وی بودند. در حالی که ۲ سال از قتل گذشته بود، کارآگاهان پلیس به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد قاتل فراری در مشهد دیده شده است. به این ترتیب ماموران با شناسایی مخفیگاه متهم موفق شدند او را پس از ۲ سال زندگی مخفیانه دستگیر کنند.

دعوا بر سر بیمه خودرو

متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت به قتلی که مرتکب شده بود اعتراف کرد. او درباره جزئیات این جنایت گفت: مقتول برای بیمه کردن ماشینش به دفترم آمد اما به او گفتم باید خودرواش کارشناسی شود. او رفت اما چند ساعت بعد برگشت و گفت با ماشینش تصادف کرده و من مقصرم و باید همه خسارتش را بدهم. من گفتم این حادثه ارتباطی به من ندارد؛ با این حال حاضرم بخشی از خسارت را بدهم.

او قبول نکرد و باز هم شروع به دعوا کرد تا اینکه قرار گذاشتیم سراغ یک واسطه برویم و مشکل را برطرف کنیم. متهم به قتل ادامه داد: آن روز سوار خودروی من شدیم تا سراغ مرد واسطه برویم اما در بین راه باز دعوایمان شد و کار به زد و خورد کشید. در این درگیری مقتول از داخل داشبورد ماشینم یک چاقو درآورد و با آن ضربه‌ای به سرم زد. کشمکش بالا گرفت تا اینکه وقتی قصد داشتم چاقو را از دستش بگیرم به گردن او برخورد کرد و دچار خونریزی شدیدی شد. من همان موقع با اورژانس تماس گرفتم و کمک خواستم اما خودم از ترس فرار کردم.

پای چویه دار

در ادامه رسیدگی به این پرونده، متهم در دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی محاکمه و با درخواست اولیای دم که مادر و فرزندان مقتول بودند به قصاص محکوم شد. مدتی بعد این رای در دیوان عالی کشور تایید و همه چیز برای اجرای حکم آماده شد. با اینکه تلاش‌های زیادی برای جلب رضایت اولیای دم انجام شد اما آنها حاضر به بخشش نبودند تا اینکه روز اجرای حکم فرار رسید. ماموران اجرای حکم پس از انجام تشریفات متهم را پای چویه دار بردند. دختر و پسر مقتول که بیشتر از همه برای مجازات قاتل پدرشان اصرار داشتند چهارپایه را از زیر پای مرد محکوم به قصاص کشیدند و جدال او با مرگ آغاز شد. این شرایط یک حدود و یک دقیقه و نیم ادامه داشت تا اینکه اولیای دم اعلام کردند از قصاص گذشت کرده اند.

به این ترتیب ماموران او را از چویه دار پایین کشیده و تلاش کردند جانش را نجات دهند. هرچند ۲ مهره گردن این مرد شکسته و تا یک قدمی مرگ پیش رفته بود اما در نهایت مسئولان بهداری زندان موفق به احیای او شدند تا به طرز معجزه آسایی به زندگی برگردد.

به دنبال دیه

هرچند اولیای دم بعد از اجرای حکم از قصاص صرف نظر کرده بودند اما گفتند قاتل باید دیه بدهد. این در حالی بود که او هیچ پولی نداشت. با این وجود چند نفر از افراد خیر تلاش کردند تا دیه فراهم شود. از سویی یکی از هم‌بندی‌های این مرد که او هم به قصاص محکوم شده بود مبلغی پول داشت که تصمیم گرفت این پول را به دوستش کمک کند. در این شرایط بود که سرانجام با فراهم شدن دیه، این مرد بعد از ۷ سال از وقوع این قتل از زندان آزاد شد.

زندگی تازه

زمانی که قتل اتفاق افتاد، همسر من این مرد از او جدا شد و او دیگر پسرش را که آن زمان ۶ سال داشت ندید. یکی از مهم‌ترین آرزوهای این مرد بعد از آزادی دیدن پسرش بود. به این ترتیب با همکاری چند نفر از اعضای فامیل چند روز قبل این مرد پسرش را که حالی نوجوانی ۱۳ ساله است در حرم امام رضا (ع) دید. او که اشک شوق مریخت می‌گوید بعد از نجات از قصاص و آزادی از زندان تصمیم گرفته زندگی تازه‌ای را شروع کند.

او می‌گوید: خدا می‌داند در این ۷ سال چه بر سرم آمد. اما حالا که به لطف خدا آزاد شده‌ام می‌خواهم زندگی تازه‌ای را شروع کنم. در این مدت در زندان با ۴ نفر دیگر که آنها هم ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند زندگی می‌کردم. یکی از آنها بخشی از پولی که برای آزادی خودش بود به من داد. من نسبت به او و ۳ دوست دیگری احساس دین می‌کنم و حالا که آزاد شده‌ام می‌خواهم تلاش کنم تا ۴ دوستم بتوانند با پرداخت دیه آزاد شوند.